

کفایت نیز در نماز و دعا که بکثرت این شان و بسیارند و مانع بجز بظرف نقص نباید بگردد حاشا بدین اوقات
 فلک بلکه باعتبار وجود این فضیلت و کمال افضل و اکمل باید دانست که دیگر آن بود که در وقت شکر و حمد که
 صفت جمل و در پهنایت و رایشان ثابت است و در حسن اعتقاد و معقولیت این بهره می باشد و آنرا محض
 از لذت حسیه دانند و ندانند که درینجا اسرار و فوائد و منافع مندرج است که در غیر آن نیست فعل سیدالارباب علی
 علیه السلام در علم و در حسن لطافت و وجود کثرت انواع در دلیل آن کافی است و فوائد و منافع نکاح و جماع
 بسیار است همه آن وجود تناسل و بقا و دوام نوع انسانی تا مدتی که خدا خواسته است و تقصیر حاجت و نیل
 لذت و ذوق مباشرت تنوع نعمت و این شغفت است که در جنت میباشد از جهت تناسل امتحان نمی وجود مضار
 در وی و لذت منافع آن غرض بصر و دفع امتحان است با استغراخ از آن و خط صحت و دفع مضار که حاصل میگردد
 از آن چنانکه گذشت و حصول عفت و کف نفس از وقوع و رافت زن و مرد و از فوائد نکاح زیاده تکلیف و ریاکاری
 محقوق نسا و صبر بر ایذا و کج خلقی ایشان است و این فائده بسیار است حضرت صلی الله علیه و آله و سلم اشد ما تم
 و اکمل عبادت است که متضمن اینچنین اجتناب بر نیست و در مذہب غنی مطلق تزویج
 افضل از تجرد است و آنحضرت صلی الله علیه و سلم ترغیب کرده است امت را در نکاح و فرمود تزویج کنید زن
 زاننده دوست دارند و از برای آنکه من مکارثت و بیایات یکدم بشما استمارا در قیامت و منقول است از عمر بن الخطاب
 رضی الله عنه که گفت که من جمیع یکدم زنان ما با وجود عدم میل من با ایشان با میدانم که بیرون آرد خدا تعالی
 از پشت من کسی بلکه بوی مکارثت کند محمد صلی الله علیه و آله و سلم استمارا در قیامت و آنحضرت ارشاد کرد
 کسی را که استطاعت دارد نکاح را بصوم که می بخند قوت با و داده آنرا پس ظاهر شد که نکاح احکم است و در
 اجر و ثواب از صیام زیرا که هرگز در صیام مگر در تقدیر عدم طول و استطاعت نکاح و شک نیست که چون مقصود
 در نکاح تناسل باشد برای تکثیر است مگر به نکاح افضل باشد بی شبهه و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 لا یربایة فی الاسلام و در او بر پابسته ترک نکاح است و اگر ترک نکاح افضل بودی هر آنکه شروع گردیده
 شدی و درین ماکه خیر او بان است و یکی از فوائد تکثیر از ولج و مخصوص بنات اشرف آنحضرت است صلی الله
 علیه و آله و سلم قصد تبلیغ احکام و رونق و نقل محاسن آنحضرت و اطلاق بر سیرت پاک دینی که مطلع توانی شد
 به تنی رجال چه بعضی از او ای آنحضرت بودند که گشته شد پدر دم و زوج وی چنانکه صبیحه و بود پدرم صبیحه
 بود و در آنوقت و غیر فلک پس اگر اینها مطلع نمی بودند بر کمال حسن خلق و طهارت سیرت وی صلی الله علیه

و در کتب معتبره بشری اقتضای سکر و میل ایشان را با او ثابت است و در کثرت و وجود نساء و کثرت ایشان با
 حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و باطنی اصل رسالت و علم و اصحاب پنجین تنییه حدیث صحابی من و دیگر
 اثبات مشهور بر زبانان همین شده و انفرادی با سایر اهل علم و صاحب کلمات در تفسیر صحیح آل عمران
 و در کتبی دیگر کتب معتبره همین و آتشده و برین عبارت اشکال و دعاست که صلوة از دنیا نیست و باب
 تحقیق حدیثین میگویند که بعد از تسبیح طرق و استقصار آن دوران معلوم کردیم که لفظ ثلث نیست پس اشکال ساقط
 است و در اکثر طرق لفظ من العیا هم نیست و برین تقدیر اشکال توجه ندارد و تحقیق این معنی در شرح حدیث
 و بیان معانی و نکات آن در شرح مشکات کرده شده است فلینظره و حاصل در نوم آنحضرت صلی الله علیه
 و آله و سلم نوم آنحضرت بر تقدیر اعتدال بودی که نوم فوق قدر محتاج الیه و منع نیکر و نفس را از قدر محتاج
 الیه و ازینجا است که در احادیث واقع شده است که نخواست کسیکه بپزند و بر اهل الله علیه و آله و سلم در نام
 اگر آنکه بپزند و آن نخواست که بپزند تا نگر آنکه بید در آن یعنی در قیام هم بودی و در نام هم بودی
 چنانکه عادت شریف وی بود و در ذل و اقل عبادات و در شب گاهی خواب فتنی و بعد از آن برخاستی و نماز کردی
 باز خواب رفتی که چند بار بختی و برخاستی و در صورت نیز درستی آید هر که خواستی در خواب یا فتنی و هر که
 خواستی بیدار فتنی و خواب بر پهلوی ایمن کردی از جانب قبله در خسار شریف بر کف دست راست نهادی
 و در صورت توبی ایستاده کردی ذراع را و نه اوی سر بر کف دست تا انسان گردد بیدار و برخاستی با
 نماز و در نوم بجانب من تکیه گرفته اند که مشهور است و آن اینست که قلب معلق است در جانب الیسر
 چون در جانب الیسر نخید دل در آسایش و راحت میباشد پس گران می آید خواب و چون بر شوق الیسر نخید
 دل در قلبی میباشد و مستغرق میگردد نوم از جهت قلق قلب و معلق بودن وی طلب مستغرق و میل الیسر
 و کثرت نوم و نقل وی داخل است و در مضم طعام و گواهای وی ولیکن نوم بر بین اعوان است بر
 قیام بیل و برخاستن برای نماز پس کسانی که طالب صحت بدن و آسایش قلب منو بری اند چنانکه الیسا
 نوم بجانب الیسر میکنند و آنرا که طالب صحت قلب منوی و حیات حقیقی اند چنانکه الیسا خواب بجانب الیسر
 اختیار کرده اند این گفته مشهور است و بیان قوم و صاحب مواهب میگوید که در زمین چیز نیست زیرا که نوم
 معلق الله علیه و آله و سلم خواب نیکر و قلب وی خواب نوم بر جانب الیسر باشد یا الیسر این حکم ثابت است
 اما در حالت تعلیل این گفته مستقیم نیست مگر در حق کسیکه خواب کند دل وی پس اسمن تعلیل او بجهت

وصل
 نوم
 مستقیم
 م

و در کتب معتبره

نیاس که عادت شریف وی صلی الله علیه وآله وسلم بوده و مودت کان المرکب الی سائرین کل شیء
الحدیث یا بقصد تعلیم و تلمذ است که دل ایشان بچسبده است و میتوان گفت شاید یک بیاری و پیشانی
دل در صورت خواب بر دست راست افتد و قومی باشد بجهت قلق و عدم فراغت طبیعت که مذکور شد و
چون بر دست چپ واقع شود و کمتر دست تر شود بجهت فراغت طبیعت از جهت در غایت حکم طبیعت در شرف
شرف آنحضرت در معنی بسیار و در بعضی ایمان پس بیداری در هر دو صورت حاصلست و در بعضی بیشتر قطع
مقصود قوم همین باشد نم ظاهر عبارت ایشان ناظر و موهم در آنست و الله اعلم و حدیث تمام عینای صلی الله
علیه و آله است روایت کرده است از آنجاری از حدیث عائشه رضی الله عنها که گفت با آنحضرت آیا خواب
سپیدی یا رسول الله پیش از آنکه در گنبدی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم تمام عینی و لاینام قلبی
و صاحبها بهیله نیند میگویند که عدم نوم قلب آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بسبب آنست که قلب چون قوی
باشد در وی حیات غالب میرد و او را در قیام خواب کند بدن و بود اینجانه مر پیغمبر را اطمینان علی الله علیه وآله وسلم و کسی
که زنده گردانیده است حق تعالی او را بجهت خود و اتباع رسول خود روزی کرده است او را نصیب از آن و نقل
کرده است صاحبها بهیله از یکی از بزرگان وقت خود که صاحب معارف و حقائق بود که گفت عینی نیام و لکن
قلبی و الله لاینام و کیف نیام عاشق سستی است تمام ناظر الی وجه حبیب شاخص علی الدوام استی پوشیده نماید
که در حصول نصیب از حیات قلب و عدم نسام قلب که صاحبها بهیله آنرا لازم و ضروری و تجربه حیات داشته است
مریضه او ایار بقدر محبت الهی جل جلاله و متابعت حبیبی سخن نخواهد بود اگر چه دعوی اشتراک اینحال
میان آنحضرت و غیر وی صلی الله علیه وآله وسلم و ذکر این عبارت و مقال بر پاگران می آید و اگر باشد هم
رتب احکام آن از عدم انتفاض و ضو و مانند آن متغی خواهد بود که آن از خصائص آنحضرت است صلی
علیه وآله وسلم و شنیده شده است که بعضی از جمله صوفیه در قریب این زمان دعوی پندار ولی میکردند و در قریب
بر میخواستند و نماز میکردند بی آنکه وضو کنند و اوعای نفاست هم درین سلسله نمودند که غلبه شریک است که
صحیح قیاس است و این از جهل است و شرط قیاس عدم اختصاص حکم است بمخصوص علیه و باید التوفیق
مانند آنکه در حدیث لاینام قلبی و حدیث نوم آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم لیلۃ التعرین مروادی از نماز
صبح تا آنکه برآمد آفتاب و گرم شد و بیدار کرد آنحضرت لشکر را از آنشکال آورده که بر اطلوع آفتاب را چون بیدار
بودند نیافت و جواب داده است نووی ازین اشکال به جواب یکی آنکه قلب او را کی نیکند از محسوسات مگر

این نام مستحق است چنانکه لذت و الم و امتداد آن نه از جهت تعلق است یعنی وادراک طلوع و غروب کار مستقیم است و وی خود نام است اگر چه قلب تعلق بود یکی بیدار باشد و چشم بسته بود و غیر طلوع کند و غمی بیاورد
 اگر چه بیدار است و در آنکه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را در حالتی است حالتی است که قلب وی نام مستقیم
 در این قلب است و حالتی است که نام میگرد و دل وی در این نادر است و قصد نوم از صلوة حدیث است
 بعد گفتن وی که صحیح مستجاب اول است و ثانی ضعیف است یعنی مختار است که عدم نوم قلب حالت دائمی است و ثابت بود در جمیع احوال و جبارت حدیث نیز برین واقع است و بعضی هنوز اشکال باقی دارند گویند
 که اگر چه ادراک طلوع غیر ضعیف است که قلب ادراک آن نکند و لیکن می باید که در بیداری در وقت طویل بیداری
 از ابتدا طلوع فجر روشن شدن آفتاب مدت طولی است که مخفی نماند مگر بر کسیکه مستغرق نوم است
 و در فتح الباری گفته که این استبعاد در دو دست یا آنگاه امتثال دارد که قلب شریف آنحضرت صلی الله علیه
 و آله و سلم در آنوقت مستغرق بوده باشد بومی و لازم نمی آید ازین وصف او نوم چنانکه در اوقات دیگر
 فقط مستغرق میگشت در حالت انقاسی وی و حکمت درین بیان شریعت بود بفعل و حصول اتباع خیر که
 آن وقت در نفس چنانکه در وقت ۳۰ روز ناز گفته اند چون در حالت صرف لقطه که چشم نیز بیدار بود و
 واقع شده باشد درین لقطه که سخن در آنوقت چه واقع نشود و لهذا گفته اند صحابه رضی الله عنهم که بود
 آنحضرت که چون نوم میگردید یعنی ساقیم او را تا آنگاه خود بیدار میشد زیرا که ما در دنیا قسیم که درجه حال و مقام
 وی است صلی الله علیه و آله و سلم پس نوم وی و صلوة وی و نیایش از آن نه از جهت آفت نوم قلب بود
 بلکه از تصرف در حالتی بجای دیگر بود مثل آن بلکه بلند تر از آن تا سخت گردد برای ما که نقل صاحب المصاب
 من تعاضی ابو بکر العری الماکلی و بعضی از متصوفه گفته اند که این ابتلائی جهت تعلق آنحضرت بتدبر و تکلیف
 بلال و عدم تعلق آن بتقدیر رب تعالی و این سخن نیز ضعیف است زیرا که این لوکیل توفیق و تامل است
 بود با مثال ادرائی سبحانه و تعالی که در بعضی گفته اند که معنی قول آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 است که منی نمی مانم برین حالت استعاض من ضو یعنی آفتاب مستغرق نمی شویم در نوم که در نیایم وجود
 حدیث را گویند که این قابل تخصیص کرده لقطه قلب ما ادراک حالت استعاض من ضو و این بیدار است زیرا که
 قول آنحضرت پیام عینی و لایبیم سلبه جواب است از قول عائشه که گفت بخوابید و وی تو یار رسول
 پیش از آنکه در کعبی و اینکلامی است که تعلق ندارد با تعاض طهارت بلکه مطلق است بیدار تر پس باید که

عمل کرده شود و لفظ او بر تعلق قلب و ظاهر عبارت حدیث اطلاق حال شریف است بی تفسیر بجای
 دون حالتی و در بعضی روایات آمده است که فرمود من میگویم آنچه میگویند شما را حکایت پس جوابی
 آنست که شیخ ابن حجر گفته فافهم و بالذات التوفیق و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نمیگوید از نوم بروی
 افتاده کردن و در سنن ابی داؤد آورده که آنحضرت گذشت بر روی که خواب میکند بر روی خود پس در خواب
 پهای مبارک خود و فرمود بر نیز و بنشین که این نوم بهیبه است و صاحب خواب گفته که روی ترین نوم نوم بر پشت
 است و نوم بر روی از روی روی تر گفته که ضرر میکند استغفار پشت از برای راحت بی نوم است و در احیاء العلوم
 میگوید که خشن بر چهار وجه است خشن بر ظهر رای معتبرین که نظری کنند در آسمان و کواکب و فکر میکنند بآیات
 آن و خشن بر زمین برای متجددان و بر خیزندگان برای نماز شب خشن بر بسیار برای راحت گیرندگان بهضم حکام
 و خشن بر روی برای گون بختان و بخردان او کما قال و خواب میکرد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم گاهی
 بر فرش و گاهی بر قطع و گاهی بر پلاس و گاهی بر زمین و بود و تراش و می از جرم که شوا و لیف بود چنانکه گذشت
 این مقدار از عادات شریف که متعلق بحال اکل و شرب و لباس و نخ و نوم بود از کتاب صاحب مدینه فخریه
 و جزئیات آداب درین ابواب و ابواب دیگر بسیار است در کتاب شرح سفر السعاده و شرح منکات و جزئیات
 در این حکایات مان کرده شد فقط

خانه الطبع

آنکه در المنة که درین احوال همین اقتران میماند توفیق ربانی و از بركات عنایت سبحانی جمله اول کتاب
 مستطاب سعادت اکتساب هدایت آداب مرغوب کافه اهل دین و محبوب سائر مسلمین مصدر سعادت و
 قوت مسی به مدارج البتوة مضمون احوال ستوده فصالح جناب حضرت سید المرسلین خاتم النبیین
 سرور کائنات خلاصه موجودات مصداق لولاک لما خلقت الاطلاق محمد حبیبی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
 جامع علوم مقبول و مقبول عادی فروع و اصول افضل العلی اعظم الفضل اقدره الساکین به العارین
 حضرت مولانا شاه عبدالحق محدث دهلوی شیخ مالیق در مطبع آفاق مستجاب بر کرم بکریم جناب
 غنی نوکشور صاحب دام اقبال بار دوم بهار - نوبت ششم مطابق ماه ذی قعدة ۱۳۰۳ هجری
 بمطبع مطبع آفاق در شهر قبول عالمی گردانیدند پس بفرموده در آنچه در نظر ما این امین